

## دو رسم بازمانده از دوره بیزانس در ایتالیا

مترجم: جعفر راثی تهرانی  
Jafar.rasi@gmail.com

مقدمه

ایتالیا در میان کشورهای اروپایی نمادی از تمدن به جای مانده از دوران بیزانس به شمار می‌رود. در این میان رسوم به‌جای مانده از قرون وسطی به شکل نمادین در برخی مناطق این کشور در قالب کار ناوالهایی به نمایش درمی‌آید و مردم با حضور در آن خاطره آن را زنده نگه می‌دارند و به نسل بعد منتقل می‌کنند.

در این میان رسم مادونا برونا و رسم پرتاب پرتقال از جمله مراسمی است که هر ساله در یکی از شهرهای شمالی و جنوبی ایتالیا برگزار می‌گردد و اخبار آن به سراسر دنیا مخابره می‌گردد.

مراسم مادونا برونا در ماترا

### Matera's Festa della Madonna Bruna

هر سال در دوم جولای (یازدهم تیرماه) در ناحیه باسیلی کاتا (Basilicata) واقع در جنوب ایتالیا، مراسم منحصر به فردی برگزار می‌شود. این مراسم از تمدن بیزانس به جای مانده است که مریم مقدس را با چهره‌ای آفتاب‌خورده (قهوه‌ای bruna) نشان می‌دهد. ماترا شهری است دیدنی که خانه‌های غار مانند دارد که ساسی (Sassi) نامیده می‌شود.

این مراسم قبل از شروع فصل تابستان برگزار می‌شود و مانند اغلب مراسم ناحیه باسیلی کاتا به زمین و خاک ارتباط دارد و پایه و اساس آن بر فرهنگ کشاورزی است. برخی نیز معتقدند که صورت تغییر شکل یافته آداب و رسوم دوران بت‌پرستی است.

در سپیده دم دوم جولای چوپانان بومی از محله‌های قدیمی شهر ماترا (Matera) به راه می‌افتند و در طول راه همکاران خود را جمع می‌کنند. این مراسم به نوعی بیدارباش شبیه است. چوپانان که لباس‌های مخصوص پوشیده‌اند در میدان اصلی شهر جمع می‌شوند.



مراسم اصلی مربوط به حمل مجسمهٔ مریم مقدس بر روی سکوی چرخ دار به طرف کلیسای جامع است که از ساعات اولیهٔ بعد از ظهر انجام می‌شود. ساختن سکو یک سال طول می‌کشد و مهارت ساختن آن از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. مواد اولیهٔ آن نوعی خمیر کاغذ فشرده است که شباهت فراوانی به خمیری دارد که در ساختن گل چینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اسب‌سوارانی که لباس‌های رنگی پر زرق و برق پوشیده‌اند، هدایت و محافظت مجسمه و سکو را به عهده دارند. عبور سکوی حامل مجسمه به جمعیت نظاره‌گر، شور و حالی می‌بخشد. جوانانی که لباس‌های معمولی به تن دارند سعی می‌کنند خود را به سکو و مجسمه برسانند ولی محافظان مانع آنها می‌شوند. آنان پس از چندین بار تلاش بالاخره موفق می‌شوند و جمعیت شاهد درگیری و پرتاب مشت و لگد بین محافظان و جوانان می‌شوند تا این که محافظان دست از مقاومت می‌کشند و صحنه را خالی می‌کنند. اوج هیجان مراسم فرا می‌رسد و مردم به همراه جوانان به طرف سکو و مجسمه هجوم می‌آورند و آن را تکه تکه می‌کنند و هر کس قطعه‌ای را به عنوان تبرک با خود می‌برد.

#### منشا پیدایش این مراسم

دربارهٔ این مراسم که قدمت آن نزدیک به ۶۰۰ سال است دو روایت موجود است:

۱- برخی می‌گویند که این رویداد یادآور غارت و چپاول شهر به دست اقوام بیگانه (اعراب) در دوران جنگ‌های صلیبی است.

۲- گفته می‌شود که بانویی زیبا و مستمند از کشاورزی که سوار بر ارابهٔ اسبی بوده است تقاضا می‌کند او را به شهر برساند. کشاورز می‌پذیرد و او را سوار بر ارابه می‌کند و به طرف شهر به راه می‌افتد. در لحظه ورود به شهر، آن زن به صورت مریم مقدس ظاهر می‌شود و از کشاورز می‌خواهد که





پیامی به اسقف شهر برساند. استقف به همراه گروهی از پیروان خود به استقبال مریم مقدس می روند. وقتی به محل موعود می رسند تخت روانی مشاهده می کنند که مجسمه مریم مقدس روی آن قرار دارد. اسقف دستور می دهد تخت روان و مجسمه را به طرف کلیسای جامع حمل کنند. ولی همزمان به سربازان حکومتی نیز دستور داده شده بود که آن را توقیف و از نظر مردم پنهان کنند. در نتیجه اهالی شهر تصمیم می گیرند تخت روان و مجسمه را تکه تکه کنند و هر کس قطعه ای از آن را صاحب شود. در مراسم یابود سالانه، مردم ماترا متلاشی کردن مجسمه و سکوی چرخ دار را نشان دهنده آرزوی مردم برای پرثمر بودن محصولات کشاورزی می پندارند و هر کس را که بتواند قطعه ای از سکو یا مجسمه را به دست بیاورد، در سال آینده صاحب بخت و اقبال می دانند.

در این مراسم جوانان نماد افکار و عقاید جدید و تولد دوباره اند که موفق می شوند، افکار و عادات و رسوم پوسیده را متلاشی کنند. این نماد تولد دوباره نشان دهنده آن است که باروری و حاصلخیزی به مزارع بازمی گردد و حاصل زندگی دشوار کشاورزی، محصولات پر بار و اوضاع پر رونق خواهد بود. در همان شب مراسم نورافشانی عظیم و چشمگیری آسمان شهر را چند ساعت روشن نگه می دارد.

منابع:

[www.about.com/Festivals and events in italy](http://www.about.com/Festivals%20and%20events%20in%20italy)  
[www. deliciousitaly. Com/ Visualizza](http://www.deliciousitaly.Com/Visualizza)  
[www. Traveldk.com/ religious- celebrations](http://www.Traveldk.com/religious-celebrations)  
[www. Il Carro della Bruna July 2 the Festival. Com](http://www. Il Carro della Bruna July 2 the Festival. Com)

## کارناوال پرتاب پرتقال در ایورئا Orange Throwing Carnevale di Ivrea

ایورئا (Ivrea) شهری کوچک در شمال غربی ایتالیا و در شمال تورین است. این شهر نخستین مرکز پادشاهی ایتالیا پس از دوران امپراتوری رمی در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی بوده است. هر ساله بین ۵-۲ فوریه (۱۷-۱۳ بهمن) یک بار دیگر شکوه و عظمت خود را به مناسبت برگزاری کارناوال پرتاب پرتقال به خود می‌بیند. این مراسم تمثیلی از نبرد یا شورش محلی است که در سال ۱۱۹۴ علیه امپراتور رم به نام فردریک مشهور به بارباروسا (ریش قرمز) صورت گرفته است. گفته می‌شود که یک ژاندارک محلی به نام ویولتا (Violetta) آغازگر این شورش بوده که به انهدام قلعه‌ای منجر شده که مظهر قدرت امپراتوری رم به شمار می‌آمده است. در روز برگزاری کارناوال در حوالی ساحل غربی رودخانه دو را

بوی شدید پرتقال به مشام می‌رسد. ازدحام جمعیت آنچنان است که برای حرکت باید از آرنج‌ها کمک گرفت. شعارهای انقلابی جمعیت و فریادهای جوانان به هنگام عبور و یولتا موینایا (Mugnaia) که بر روی ارابه‌ای کم‌ارتفاع به طرف جمعیت گل‌های میموزا و شکلات پرتاب می‌کند، همه جا را پر می‌کند. بیشتر حضار کلاه قرمز به سر دارند. کلاه‌هایی بلند به رنگ قرمز روشن که سمبل آزادی است. نام این کلاه‌ها فریجیایی است که مربوط به ناحیه فریجیای باستانی واقع در آسیای صغیر (آناتولی ترکیه کنونی) می‌باشد.





این کلاه‌ها را خورشیدپرستان بر سر می‌گذاشتند. سپس در رم باستان مورد استفاده بردگان آزاد شده قرار می‌گرفت و سرانجام یکی از نمادهای انقلاب فرانسه شده است؛ کلاه قرمز پارچه‌ای که با روبان به زیر چانه بسته می‌شود.

در این مراسم وقتی کسی کلاه قرمز بر سر داشته باشد می‌تواند بی‌هیچ مزاحمتی عبور و مرور کند. کلاه قرمز به معنی آن است که آن شخص

به کسی پرتقال پرتاب نمی‌کند و مورد اصابت نیز واقع نخواهد شد. اگر کسی بخواهد در مراسم شرکت کند، باید در گروه نمایندگان منفور امپراتور یا در یکی از گروه‌های نه‌گانه مردمی ثبت‌نام کند. گروه نمایندگان امپراتور سوار بر ارابه‌ها به تناوب جایگزین یکدیگر در میان مبارزه می‌شوند. آنان اسبها را به طور ملایم چهار نعل می‌تازانند که البته زیاد طول نمی‌کشد، چون به محاصره گروه‌های مردمی

می‌رسد که لباس‌هایی به شیوه قرون وسطی بر تن دارند و با پای پیاده به سوی آنان پرتقال پرتاب می‌کنند. نمایندگان امپراتور که با نقاب چهره خود را پوشانده‌اند با مهربانی با پرتاب پرتقال پاسخ آنان را می‌دهند. یک قسمت جالب این کارناوال مراسم عبور از ناحیه پل قدیمی است که باشکوه‌ترین صحنه نبرد در آنجا مشاهده می‌شود. در این منطقه خیابان‌ها باریکند و توده پرتقال‌ها آنقدر متراکم می‌شود که هر چند وقت یکبار، با تراکتورهای برف‌روبی آنها را از سر راه برمی‌دارند.

در مرکز میدان کارزار یک توری محافظ وجود دارد و اگر کسی بخواهد از آنجا عبور کند باید وقت‌شناس دقیقی





باشد. تا حدود پنجاه سال پیش این کار بسیار خطرناک بود، زیرا مردم می‌توانستند از پنجره منازل هم پرتقال پرتاب کنند و راه رفتن با کلاه قرمز یا بدون آن مساوی بود با قرار گرفتن زیر رگبار پرتقال‌ها. ولی امروزه اوضاع بهتر شده است و پرتاب پرتقال فقط از روی زمین به طرف ارابه‌ها و برعکس انجام می‌شود. پس از پایان مراسم رودخانه دو را مملو از پرتقال‌های له شده‌ای است که جریان آب آنها را به طرف جنوب می‌برد.

نکته جالب توجه این است که در این شهر حتی یک درخت پرتقال هم وجود ندارد و آنها را از شهرهای دیگر وارد می‌کنند. مونیایا (Mugnia) مهمترین شخص این رویداد است. او نماینده مبارزه مردم با ظلم و ستم دوران فئودالی است. گفته می‌شود که

ویولتا مونیایا نوعروس شجاع، خواستگاری فئودال بدرفتار و ظالم منطقه را رد می‌کند و وقتی مطابق رسوم در همان شب عروسی اش ناگزیر است به قلعه فئودال برود به شوهرش قول می‌دهد که از شرافت و نجابت خود دفاع کند. او در قلعه در لحظه‌ای مناسب خنجری از زیر لباس بیرون می‌آورد و سر فئودال ستمگر را از بدن جدا می‌کند و به طرف اهالی منطقه می‌اندازد که خارج قلعه تجمع کرده بودند. این کار نشانه آغاز شورش بود. قلعه به تصرف مردم درمی‌آید و به آتش کشیده می‌شود. قبل از اشغال ایورثا به دست ناپلئون این مراسم به طور مجزا در مناطق چهارگانه شهر برگزار می‌شده و اغلب منجر به درگیری‌های خشونت‌بار می‌گردید. ولی از اوایل قرن نوزدهم و پس از ورود ارتش ناپلئون، مقامات لشکری و کشوری که نگران نظم و امنیت عمومی جامعه بودند مقدمات برگزاری یک کارناوال در شهر را فراهم کردند که این روال همچنان ادامه دارد.

در روز قبل از کارناوال شهردار به اتفاق نوازندگان نی و طبل در هر منطقه به منزل زوجی که جدیداً ازدواج کرده‌اند می‌روند و به همراه آنان برای برپاکردن دیرک مخصوص به میدان نبرد می‌روند. تازه عروس و داماد طی مراسمی با بیل و کلنگ هر کدام با یک ضربه کندن حفره را آغاز می‌کنند.

در قرون وسطی در این کارناوال لوبیا پرتاب شده است. گفته می‌شود که ارباب فئودال سالی دوبار ظرفی (کاسه‌ای) پر از لوبیا به خانواده‌ای فقیر می‌داد و آنان بدون استفاده آن لوبیاها را به خیابان پرت می‌کرده‌اند. از این رو در ابتدای پیدایش این کارناوال مردم به طرف دشمن نمادین لوبیا پرتاب می‌کردند تا اینکه در حدود دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۳۰ دخترها مبادرت به پرتاب پرتقال، کیک کان فتی و گل از بالکن خانه‌ها به طرف پسران مورد علاقه خود کردند. پسرها هم پاسخ مهربانانه‌ای می‌دادند که به تدریج نخست به صورت پرتاب



متقابل (دو نفره) بود و سپس به نبردی واقعی بین افراد حاضر در خیابان‌ها و بالکن منازل بدل شد. پس از جنگ جهانی دوم این کارزار دارای قواعد و مقررات ثابتی شد.

هر کسی می‌تواند با ثبت نام در گروه دشمن یا یکی از نه تیم پیاده در این کارناوال شرکت کند. تیم‌های نه گانه پیاده عبارتند از:

۱- شطرنجی‌ها. اعضای این تیم ۱۶ نفر بوده است (به تعداد مهره‌های پیاده شطرنج).

البته از ۱۹۶۴ به بعد تعداد اعضای تیم افزایش یافته است. آنها لباس شطرنجی و علامت قلعه (رخ) و سرپوش نارنجی دارند.

۲- آردوینی (Arduini) که نام یکی از زیباترین خیابان‌های شهر قدیم ایورثا را بر خود گذاشته اند. آنها شلوار سبز با نیم تنه زرد می‌پوشند که تصویر عقرب بر پشت آن نقش بسته است. رنگ سرپوش این تیم هر ساله تغییر می‌کند.

۳- آس خاج. که گروهی از بازیکنان جوان فوتبال آن را در ۱۹۴۷ تأسیس کرده‌اند لباسشان قرمز و آبی با علامت آس خاج و سرپوش سیاه است.

۴- مرگ. در اصل لباس کار یکسره آبی می‌پوشیدند، ولی امروزه شلوار قرمز با نیم تنه سیاه به تن می‌کنند که علامت جمجمه و استخوان دارد.

۵- توجینی (Tuchini) که از محله قدیمی و زیبای بورگتو (Borghetto) می‌آیند. رنگ لباس آنها از ابتدای پیدایش در سال ۱۹۶۴ قرمز و سبز با سرپوش قرمز است. علامت مخصوص این تیم کلاغ است که نماد کرواسی است. دلیل این کار وجود تعدادی کروات در روزگاران قدیم در آن منطقه است.

۶- شیاطین. یکی از زنده‌ترین تیم‌هاست. لباس آنها شامل سرپوش زرد، شلوار قرمز با نوارهای زرد و نیم تنه زرد با علامت شیطانک و چنگک است.

۷- مزدوران. که لباس‌شان شامل نیم تنه سفید و قرمز و شلوار زرد و سرپوش رنگارنگ است. این تیم در اصل شلوار جین آبی رنگ می‌پوشیدند. علامت آن دو شمشیر است که درون یک ستاره پنج پر زردرنگ قرار دارد.

۸- پلنگ‌ها. سرپوش مایل به زرد و لباس سیاه راه راه با علامت پلنگ غران می‌پوشند.

۹- کردنداری (Credendari) جدیدترین تیم تأسیس یافته است که در ۱۹۸۵ تشکیل شد و در سال ۱۹۸۹ رسمیت یافت. لباس زرد و آبی و سرپوش زرد دارد. علامت تیم شامل قصر کردنزا (Credenza)، تبر جنگی و نوعی چوبدستی (نماد انجمن شهر) به صورت ضربدر است که زیر آنها نام تیم نوشته شده است.

منابع:

www. about. Com/ Festivals and events in itlay  
www. ddc. Typepad. Com/ Oranethrowing  
www. Carnevaldivea. It  
[www.Festivalpig.Com/](http://www.Festivalpig.Com/) Oranethrowing  
www. deliciousitaly.Com/ Piemontetour